

فصلنامه علامه

نشریه مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز

سال هفدهم - شماره پیاپی ۵۴

پاییز ۱۳۹۷

## بازتاب شخصیت پیامبر (ص) در دیوان سید حیدر حلی و شهریار\*

محمد رضا اسلامی\*\*

فاطمه تنها\*\*\*

### چکیده

شخصیت والای پیامبر (ص) همواره از کانون‌های مضمون‌آفرینی و تصویرسازی شاعران و نویسندگان بوده است؛ از جمله این شاعران، شهریار و حیدر حلی، شاعران معاصر ایران و عراق می‌باشند که با تأثیر پذیری از قرآن و بهره جستن از اسلوب‌های ادبی به نمایان ساختن شخصیت ایشان پرداخته‌اند. این جستار بصورت توصیفی - تحلیلی و بر اساس اصول مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی، بر آن است تا تحلیلی نو از اندیشه دو شاعر و چگونگی بازتاب شخصیت پیامبر (ص) در شعر آن‌ها عرضه نموده و به بیان و تحلیل مضامین و برخی ساختارهای شعری، نکات بلاغی، تصاویر هنری و وجوه اشتراک و افتراق شعر آن دو بپردازد. هر دو

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۲

\* تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۵

Mr.eslamy@yahoo.com

\*\* استادیار گروه عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان f.tanha68@gmail.com

شاعر با تأثیر پذیری از قرآن و احادیث شریف، به توصیف وقایع زندگی پیامبر از جمله معراج، داستان مباحله و.. پرداخته و به بهترین شکل، آن را به تصویر کشیده‌اند. کلمات سید حیدر در مدح شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> کلماتی پرطمطراق، فخیم و حماسه‌گونه است که بیشتر او را شاعری حماسی معرفی می‌کند. در مقابل اشعار ترکی و فارسی شهریار مملو از حس درونی و عاطفه رقیق و رمانتیک گونه‌وی می‌باشد که با عاطفه صادقانه‌اش درآمیخته و سبب گشته تا با بهره جستن از الفاظ و کلمات نرم و ساده به شعر خود موسیقی خاصی ببخشد.

**واژگان کلیدی:** شعر شیعی، شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup>، سیدحیدر حلی، شهریار، اسلوب‌های ادبی

## مقدمه

ابعاد گوناگون حیات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> چه از نظر فردی و چه از منظر اجتماعی و نیز رسالتی که از جانب خداوند در هدایت بشر داشته‌اند همواره در کانون توجه مسلمانان و پیروان دیگر ادیان بوده است. ستایش شخصیت ایشان در قالب مدح و منقبت، به گونه‌ای آشکار و گسترده در شعر فارسی و عربی تجلی یافته و اندیشه و خیال شاعران بسیاری را تسخیر نموده است. مدایح پیامبر بر شعرهای دینی که بر سیره و روش پیامبر و فضیلت‌های درخشان او تکیه دارد گفته می‌شود. "این نوع شعر محل تولد، سال هجرت و دعوت و پیروزی و دوستی اهل بیتش را نیز به همراه دارد" (حمداوی، ۲۰۰۷) این گونه شعری به دست شاعران در طول حکومت‌های اسلامی پیشرفت کرده و به صورت فنی مستقل درآمده و دارای ویژگی‌ها و روش‌هایی است که باعث شده مدح پیامبر<sup>(ص)</sup> یکی از مهم‌ترین و بارزترین فن‌ها در جامعه معاصر اسلامی گردد. (حجاز، ۲۰۰۹م: ۵۳)

به همان میزان که رثا را صادق‌ترین شعر وصف کرده‌اند، از مدایح به عنوان فنی که کذب و ریا در آن فراوان است، یاد کرده‌اند زیرا اولاً: شاعر به طمع کسب متاع دنیا به مدح ممدوح می‌پردازد. ثانیاً: بسیاری از اموری که در ممدوح نمی‌باشد، به او نسبت می‌دهد. (بدوی، بی‌تا: ۱۷۹) چنین تحلیلی اگر در مورد بسیاری از شاعران مدیحه‌سرا صادق باشد یقیناً مداحان اهل بیت و شاعران شیعی را در بر نمی‌گیرد. از این روست که "احمد امین" مدح این شاعران را بدون تصنع و برخاسته از غلیانات روحی دانسته و می‌گوید: «در اطراف حاکمان بنی‌امیه شاعران زیادی حضور داشتند، زیرا مال آنها فراوان‌تر بود و این امر سبب می‌شد حتی شعرای شیعه امثال "کمیت" نیز برای‌شان شعر بسرایند؛ لیکن شعر این شاعران شیعی در مورد اهل بیت<sup>(ع)</sup> متفاوت با شعری بوده

که در مقابل درهم و دینار می سروده‌اند؛ و دارای حرارات و عاطفه‌ای قوی و نشأت گرفته از اخلاص‌شان بود. و اینگونه نبود که امامان شیعه در جبران آن اشعار مال زیادی صرف نموده باشند.» (امین، ۱۹۵۲، ج ۳: ۳۰۴)

این ستایش‌ها بگونه‌ای ناخودآگاه و خودجوش بواسطه عشق و عظمتی که شاعر شیعی نسبت به خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> احساس می‌کرد فوران می‌کند و اگر بتوان طمع‌ی را در آنان -در هر یک از فنون شعری- سراغ گرفت، همانا اجر و ثواب اخروی و قرب و غفران است و بس. (شبر، ۱۴۰۹، ج ۹: ۱۸۴). بنابراین می‌توان گفت این نوع شعر چهارچوبی دینی اسلامی دارد؛ زکی مبارک در وصف این نوع مدح می‌گوید: مدایح نبوی یکی از فنون و گونه‌های شعری است... و آن، گونه‌ای با ارزش از عواطف دینی و نوعی گران‌سنگ از ادب به‌شمار می‌آید؛ زیرا که از قلبی سرشار از راستی و اخلاص سرچشمه می‌گیرد. (زکی مبارک، ۱۹۹۷: ۱۷)

#### مدایح نبوی در شعر عربی و فارسی

همانگونه که ذکر شد مدایح نبوی از دوره‌ی صدر اسلام با گسترش دامنه‌ی نفوذ دین جدید و پر رنگ شدن شخصیت والای پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به عنوان رهبری مدبر و توانا رواج فراوان یافت و شعرای بسیاری شعر خود را ابزاری برای دفاع از حقانیت دین جدید، سنت نبوی و شخصیت حضرت رسول قرار دادند. در ریشه‌یابی ظهور مدایح نبوی در ادب عربی می‌توان گفت که این امر به زمانی مربوط است که رسول خدا<sup>(ص)</sup> مبعوث شد. در این دوره اعراب به دو گروه مخالف و موافق ایشان تقسیم شدند: گروه اول به سبب ترس از این که اسلام امتیازات آنها را در دوران جاهلیت از بین خواهد برد به مخالفت با ایشان پرداختند و از اینجا مدح پیامبر<sup>(ص)</sup> آغاز شد (سالم،

۱۹۷۱: ۴۸). آغاز مدایح نبوی تحولی بزرگ در ادب عربی ایجاد کرد و از دیرباز شاعران بسیاری در این زمینه زورآزمایی کرده‌اند. در میان چهره‌های شعری عرب که پای در این وادی نهاده‌اند، می‌توان به حسان بن ثابت انصاری؛ ملقب به شاعر النبوی (صاحب قصیده عینیه)، کعب بن زهیر (صاحب لامیه)، نابغه جعدی (صاحب رائیه)، عبدالله بن رواحه، کعب بن مالک، فرزدق، جابر اندلسی (صاحب قصیده قرآنیه)، قلقشندی (صاحب قصیده نونیه)، بوصیری و بسیاری دیگر را نام برد (زکی مبارک، ۱۹۹۷: ۳۶ و ۴۵).

مدح پیامبر از اغراضی است که در دوره انحطاط رواج فراوانی یافت. در این دوره عواملی موجب ظهور و گسترش مدایح نبوی شد که مانند آن را در هیچ دوره‌ای شاهد نبوده‌ایم؛ از جمله آن عوامل می‌توان به هجوم مغولان از یک طرف و ظهور و بروز جنگ‌های صلیبی‌ها از طرف دیگر اشاره کرد. آنها با شعارهای خود به تحقیر اسلام می‌پرداختند تا هدف خود را از هجومشان دینی قلمداد کنند و اهداف سیاسی و اقتصادی خود را پیوشانند. در این حالت عرب‌ها نیز به مدح پیامبر روی آوردند و در مدایح خود به دفاع از معتقدات اسلامی پرداختند و در ضمن این مدایح از رسول گرامی<sup>(ص)</sup> طلب شفاعت می‌کردند. دومین عامل بروز مدایح نبوی در این دوره ظلم ممالیک بود که اعراب را از همه چیز محروم می‌کردند؛ بدین جهت آنان به مدح پیامبر روی آوردند. در این دوره مدح نبوی به صورت قالب مستقلی درآمد و شاعران در این زمینه شعرهای زیادی سرودند که مشهورترین آنها برده بوصیری است (سالم، ۱۹۷۱: ۲۹). تا اینکه در اواخر این عصر و اوایل نهضت به شاعری بنام، چون سید حیدر حلی، از خاندان معروف حله می‌رسیم که توانسته است با ذوق سلیم و با فهم عمیق و اسلوب متین، اشعاری زیبا در زمینه مدح نبوی و بویژه در رثای امام حسین<sup>(ع)</sup> بیافریند

و بتواند "لقب شاعر الحسین<sup>(ع)</sup> را از سوی دانشمندان و عالمان بزرگ کسب کند" (البصیر، ۱۹۹۰: ۵۳). وی از جمله شاعران اوایل عصر نهضت است که توانست شعر خویش را از ابتلا به آرایه‌های لفظی و تصنعی عصر عثمانی مصون نگه داشته و با تنقیح اشعار خویش و همچنین با طرح موضوعات جدید سیاسی، اجتماعی و دینی و بیان موضوعات روز جامعه، از شاعران بنام عصر خویش گردد.

در ادب فارسی نیز شخصیت والا و سیره انسانی و نبوی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> همواره از کانون‌های مضمون آفرینی و تصویر سازی شاعران و نویسندگان در ادب فارسی بوده است. شاعران فارسی‌گوی پس از اسلام تاکنون به مناسبت‌های گوناگون به تکریم آن حضرت پرداخته‌اند؛ به ویژه در ابتدای سخن خود پس از حمد و ستایش خالق هستی بخش، به بزرگداشت و مدح پیامبر، مقام نبوت و مخصوصاً خاتمیت و سرآمدی و محوریت وجود آن حضرت در کل کائنات توجه داشته‌اند و به تعبیر ابن عربی و عارفان پیرو او، حقیقت محمدیه را مرکز و علت ایجاد هستی دانسته‌اند. (بزرگ بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۴) ابعاد گوناگون حیات آن حضرت<sup>(ص)</sup> همواره در کانون توجه ایرانیان بوده و شخصیت والای ایشان به صورت مناقب و احوال و تقریرات وی، در شعر فارسی جلوه یافته است، به طوری که می‌توان ادعا کرد شعر فارسی پس از ظهور اسلام، به یکی از اقسام هنر دینی تبدیل شده است. شاعران ادب فارسی بنا به باورهای خود نسبت به وجود عظیم پیامبر و رسالت انسانی و جهانی او مبنی بر اصلاح انسان‌ها و پایه‌گذاری آرمان شهر الهی، پس از حمد خداوند به مدح پیامبر و بیان هنرمندانه و تصویری صفات و مناقب آن حضرت پرداخته‌اند. از این‌رو ستایش پیامبر به تدریج به یک سنت شعری تبدیل گردید؛ به طوری که به مثابه یکی از ارکان مستحکم و پابرجای شعر فارسی درآمد، زیرا پیامبر برای تمام مسلمانان بهترین الگو و راهبر زندگی بوده

است. از جمله این شاعران بنام می‌توان به سعدی، نظامی، ناصرخسرو، جامی، خواجه‌ی کرمانی و گروهی بسیار از این دست اشاره کرد.

در دوره معاصر محمد حسین شهریار نیز از جمله این شاعران است که به مدح و مدیحه‌سرایی پرداخته است. وی از جمله شاعرانی است که با وجود جریان‌ات سیاسی و ادبی مختلف، در شعر دینی خود شگردی مذهبی دارد و در شعر خود مبارزان دینی و رهبران مذهبی را الگوی انسان‌ها برای رسیدن به آرمان‌های مورد نظر قرار می‌دهد. از این‌رو ارزشمندترین مدحیات او مربوط به بزرگان دین و مناقب آنهاست. وی به مدیحه‌سرایی به شیوه سلف درباره ارباب مناصب دنیایی توجه چندانی ندارد. این شاعر برجسته، مدحیات از دل برخاسته‌ی خود را که بیانگر احساس درونی اوست، اغلب در قالب غزل آورده و می‌توان گفت پرشورترین غزلیات شهریار در مدح ائمه و اهل بیت<sup>(ع)</sup> می‌باشد که ایشان را در زمره شاعران اهل بیت<sup>(ع)</sup> قرار داده است.

مقاله حاضر پژوهشی است که شخصیت پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> را در شعر این دو شاعر شیعی ایران و عراق مورد بررسی قرار داده و در صدد است تحلیلی نو از اندیشه دو شاعر درباره چگونگی بازتاب شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> در شعر آن دو عرضه نموده و به بیان و تحلیل مضامین و برخی ساختارهای شعری آن‌ها پرداخته و نیز نکات بلاغی و تصاویر هنری، که هر دو شاعر در مضمون پردازی از آن بهره جستند، پردازد.

### مواد و روش پژوهش

مهم‌ترین داده‌های مورد استفاده پژوهش حاضر، دیوان سید حیدر و دیوان‌های ترکی و فارسی شهریار و مصادر مرتبط است. روش خاص پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

بدین صورت که ابتدا اقدام به مطالعه و تحلیل اشعار دو شاعر درباره مدح و رثای پیامبر<sup>(ص)</sup> پرداخته شد و در نهایت بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، مضامین مشابه و مشترک و افتراقات دو شاعر مورد تطبیق و تحلیل قرار گرفت.

### پیشینه پژوهش

درباره اشعار شهریار و سید حیدر تحقیقاتی چند صورت گرفته است که از جمله آن می‌توان به کتاب "الایدئولوژیا فی رثاء الحسین<sup>(ع)</sup>" اثر محمد کامل سلیمان<sup>(۱)</sup>، که ایدئولوژی و عقیده‌ی سید حیدر را با توجه به دیوان شعری وی تبیین کرده و بیشتر شامل اشعار عاشورایی وی می‌شود. کتاب "السید حیدر الحلی شاعراً، از مدین الموسوی" نویسنده در آن به بررسی کلی اشعار وی پرداخته است. پایان‌نامه "بررسی سیمای اهل بیت<sup>(ع)</sup>" در اشعار سید حیدر حلی، توسط زهرا خانگاہ<sup>(۲)</sup> در دانشگاه تهران انجام پذیرفته و در آن تنها به ترجمه اشعار بسنده شده است. در مورد شهریار نیز می‌توان به: پایان‌نامه "بررسی و تحلیل دیوان استاد شهریار از محمد ابراهیم حاتمی" که سال ۱۳۷۵، در دانشگاه تربیت مدرس نگارش یافته و نویسنده در آن به بررسی زندگی اجتماعی، سیاسی و ادبی شاعر و دیوان فارسی وی از بعد محتوایی و لفظی پرداخته است. و مقاله "جلوه‌های عرفان در اشعار شهریار از محمد تقی سبک دل"<sup>(۳)</sup>، "دین در اندیشه جواهری و شهریار از مهدی ممتحن"<sup>(۴)</sup>، که در آن نویسنده به بررسی بن‌مایه‌های دینی موجود در اشعار دو شاعر بصورت کلی پرداخته است. "بررسی اشعار عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری"<sup>(۵)</sup> از دکتر ابوالحسن امین مقدسی و دیگران، در این مقاله نویسندگان به بررسی اشعار عاشورایی در دو قصیده از بعد مضمون و نکات بلاغی پرداخته‌اند.



مقاله "بازتاب شخصیت پیامبر(ص) در شعر معاصر فارسی از سعید بزرگ ییگدلی و دیگران که در آن نویسندگان به بررسی کیفیت بازتاب شخصیت پیامبر اکرم(ص) در مقایسه شعر سنتی و نو پرداخته‌اند و در آن تنها به آوردن دو نمونه از اشعار شهریار در مورد آن حضرت پرداخته‌اند. شایان ذکر است از آنجا که موضوع پایان نامه ارشد نویسنده مسؤل مقاله در مورد این دو شاعر توانمند معاصر ایران و عراق بود، لذا نویسنده مدت طولانی به تفحص در دواوین دو شاعر پرداخته و با مطالعه بر روی اشعار این دو شاعر در حیطه شعر شیعی می‌توان گفت تا حدودی با تجربیات شعری دو شاعر آشنایی دارد لذا بحث و پژوهش در اشعار آن دو بصورت تطبیقی در ابعاد مختلف می‌تواند دارای ارزش علمی فراوانی باشد، همین عامل سبب تشویق ما برای تحقیق در این حوزه بود.

### بررسی تطبیقی بازتاب شخصیت پیامبر اکرم در شعر دو شاعر:

#### وجوه اشتراک:

#### واقعه معراج

سید حیدر در قصیده نبوی خود، در بیت اول آن با بראعت استهلالی نیکو، با آوردن دو واژه «بُشری و هُنّی» میزان شادمانی و عمق عشق و علاقه‌ی خود را از واقعه معراج و سپس بعثت به نمایش گذارده و این شور و شعف را به کل جهان هستی تعمیم داده است. در بیت دوم نیز بین «أرج و أرجاء»، از آرایه جناس ناقص مذیل و میان «عطرت، نَفْحَة، أرح، رِیاه» از آرایه مراعات نظیر استفاده نموده و با این تصاویر بلاغی به زیبایی و غنای ابیات افزوده است و پس از ابراز شادمانی و بראعت استهلال، از بعثت نبی اکرم(ص) سخن رانده است. در این ابیات شاعر، آن بشارت

خاص خود را، بعثت حضرت ختمی مرتبت اعلام می‌کند، که این بشارت در تمام زمین و آسمان طنین افکن شده و عظمت این روز از آنجائست که جبرئیل قبل از اینکه در زمین ندا دهد، در ملاً اعلیٰ ندا داده بود. شاعر وجود پیامبر اکرم را همچو بوی خوش بوستان‌ها جان‌نواز، و همچون نوری می‌بیند که درخشش و تلالو آن ابدی است و ترسی از افول و خاموشی آن نمی‌رود. این قصیده در بحر رمل مسدس مخبون (فعلاتن فعلاتن فاعلاتن / فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن) سروده شده است که رابطه‌ای مناسب و معقول با درونمایه آن (مدح) دارد و شاعر هماهنگی بین هدف و مقصود شعرش را با وزنی که به کار برده، مراعات نموده و تأثیر دل انگیز شعرش را دو چندان کرده است:

أیُّ بُشْرِی کَسَتْ الدُّنْیَا بِهَاءِ	قُمْ، فَهَنِّی الْأَرْضَ فِیْهَا وَ السَّمَاءِ
طَبَّقَ الْأَرْجَاءَ مِنْهَا أَرْجٌ	عَطَّرَتْ نَفْحَةَ رِیَّاهِ الْفَضَاءِ
بَعَثَةٌ أَعْلَنَ (جَبْرِیْلُ) بِهَا	قَبْلَ ذَا، فِی الْمَلَأِ الْأَعْلَى النَّدَاءِ
قَائِلًا: قَدْ بُعِثَ النُّورُ الَّذِی	لِیْسَ یَخْشِی أَبَدًا الدَّهْرَ انْطِفَاءِ

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹-۲۸)

وی در ادامه توصیف شب معراج، به خیر و برکتی که در این شب نصب خاکیان و افلاکیان گشته، می‌پردازد و آن شب را سراسر نور و رحمت برای مخلوقات عالم دانسته است. اسلوب، واژگان و ساختاری که شاعر به کار گرفته، آنچنان متحرک و پویاست که بیانگر این شادی و سرور شاعر است. وی در این ابیات از سوره اسراء و آیات اول این سوره تأثیر پذیرفته و خیر و برکت این شب را نه تنها به موجودات جاندار و انسان‌ها، بلکه به جامدات نیز تعمیم داده است. در این ابیات شاعر با بهره جستن از استعاره مکنیه، به شکلی زیبا و با ذوق مثال زدنی با تصرف در عناصر بیجان

و بخشیدن صفات و حالات انسانی به آن‌ها، روح حیات و زندگی را در کالبد آن دمیده و موجب پویایی تصویر شعرش گردیده است. وی به ترسیم شادی و خوشحالی کاینات نیز اهتمام ورزیده و روزگار را در اثر خوشحالی از این واقعه، همچون انسانی می‌بیند که به درجه‌ای از مستی و طرب رسیده، که پهلویش به حالت رقص درآمده است و این چنین جهان را مسرور و شادمان از این واقعه، به تصویر می‌کشد.

بورکت من لیلۃ فی صُبْحِهَا      کشفَ اللهُ عن الحقِّ الغطاء  
 خلعَ اللهُ علیها نَضْرَةً      راقَتِ العالمَ زَهْواً و اجْتِلاء  
 و استهلَّ الدهرُ یثنی مُطرباً      عطفَ نَشْوانٍ و یختالُ ازدهاءاً<sup>۲</sup>

(همان: ۲۹)

استاد شهریار نیز در خصوص معراج، نه تنها از آیات قرآنی متأثر بوده بلکه در سرودن داستان معراج به احادیث نبوی نیز توجه داشته است. وی در قصیده «معراج محمد<sup>(ص)</sup>» به عروج پیامبر اکرم و دیدارش از جهان قدسی و شکوه و عظمت و شأن ایشان در هستی و بازماندن حضرت جبرئیل در میانه راه از همراهی کردن ایشان و نیز به علم الهی ایشان اشاره دارد. شاعر با تشبیهی زیبا و بلیغ او را خسرو خورشید رایتی می‌داند که همه فرشتگان در مقابل شکوه و عظمت وی زبان به ثنا و تمجید وی گشوده‌اند و جبرئیل<sup>(ع)</sup> از همراهی وی باز می‌ماند. وی با تضمین بخشی از آیه قرآنی «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (سوره اسراء، آیه ۱) و «ثم دنی فتدلی - فکان قاب قوسین أو ادنی» (سوره نجم، آیه ۹) توصیف حالات و ثبت لحظه‌های دیدار محمد<sup>(ص)</sup> با یار را چنین به تصویر می‌کشد:

کشیده صف به صف حور و ملک از سدره تا طوبا      شکوه موکب آن خسرو خورشید رایت بود

به زخم پای خونین‌اش، غم مرهم گذاری را خدا، سر تا به پا، تعظیم و تکریم و عنایت بود  
(خشکنابی، ۱۳۷۹: ۶۶)

حجاب کائنات آن گه به تیغ پر دل بگسیخت رسیدم بر در خلوتگه قوسین او ادنی  
روان من گواهی داد بر معراج پیغمبر زدم فریاد شوق از دل «فسبحان الذی اسرى»  
(همان: ۳۸۲)

### خاتمیت

هر دو شاعر تحت تأثیر فرهنگ اسلامی، از قرآن و حدیث تأثیر پذیرفته و خاتمیت رسول خدا را در اشعارشان ذکر کرده‌اند؛ سید حیدر در بیت ذیل به خاتمیت پیامبر<sup>(ص)</sup> اشاره نموده و او را مایه خیر و برکت می‌داند و با مقدم آوردن واژه «هنیناً» در ابتدای کلام خویش، شادمانی و عشق و محبت خود را به ایشان ابراز می‌دارد. شاعر با آوردن دو فعل «فُتِحَ وَ خَتِمَ» آغاز و پایان و خیر و رحمت را در پیامبر خاتم جمع نموده است. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در رابطه با خاتم الانبیاء بودن پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «اللهم اجعل شرائف صلواتک علی محمد عبدک و رسولک الخاتم لما سبق (نهج البلاغه، ترجمه شیروانی، ۱۳۸۳، خطبه ۷۲)». و در جای دیگر فرموده‌اند: «أَمِينٌ وَحِيهِ وَ خَاتِمٌ رُسُلُهُ وَ بَشِيرٌ رَحْمَتُهُ (همان: خطبه ۱۷۳)»

فَهْنِينًا: فَتُحَ الْخَيْرُ بَمَنْ خَتَمَ الرَّحْمَنُ فِيهِ الْأَنْبِيَاءُ<sup>۳</sup>

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹)

گویا شاعر در این بیت گوشه چشمی هم به آیه قرآنی «و ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتِمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (سوره احزاب، آیه ۴۰)» داشته است.

شهریار نیز در ابیات زیر با تأثیر پذیری از حدیث قدسی «لولاکَ وَ ما خلقتُ الأفلاکَ» و با اشاره به اشرفیت نبی اکرم، به تقدم ذاتی ایشان بر مخلوقات جهان و

خاتمیت وی اشاره می‌کند. او پیامبران الهی را به انگشتی تشبیه کرده و پیامبر(ص) را نگین این انگشت قرار داده، و این تشبیه محسوس کنایه از مقام والای پیامبر اکرم(ص) در میان پیامبران مبعوث شده از جانب خداوند است. عقل کل نیز استعاره مصرحه از پیامبر(ص) است.

زاد روز نبی است عقل کل      اشرف انبیا و ختم رُسل  
این نگین، خاتم النبیین است      آفرینش خلاصه‌اش این است

(خشکنابی، ۱۳۷۹: ۶۳)

وی همچنین در قطعه "نوشه"، به وحدانیت و یگانگی خدا و به خاتمیت پیامبر(ص) اشاره دارد و با تشبیهی زیبا نور چهره‌ی ایشان را به "شمس الضحی" تشبیه کرده و حضرت را هدایتگر بشر می‌داند:

ستایش مر خدا را شاید و شکر و سپاس او را      شهادت می‌دهم کز ما سوای او خدایی نیست  
شهادت می‌دهم پیغمبر خاتم محمد را که      چون شمس الضحای طلعتش نورالهدایی نیست  
(شهریار، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۰۹)

#### جریان نور محمدی

از مضامین مشترک دیگر در شعر این دو شاعر، تبلور نور محمدی در سروده‌های شان می‌باشد. سید حیدر با تأثیر پذیری از مضمون آیه قرآنی «و قد جاء کُم من الله نورٌ و کتابٌ مبین» (سوره مائده، آیه ۱۵)، صفت نورانیت را به پیامبر(ص) نسبت داده؛ در واقع روز مبعث را روز انفجار نور هدایت و روز زدودن ظلمت جهل و نادانی به واسطه پیامبر(ص) دانسته و شاعر با استفاده از صنایع بدیعی، تصویری زیبا به شعرش بخشیده است، در بیت اول نور را استعاره مصرحه از محمد(ص) و در بیت دوم با بهره‌گیری از استعاره مکنیه، شب را همانند موجودی قرار می‌دهد که زاد و ولد دارد و

با متولد ساختن مبعث، ظلمات را به نور و روشنایی مبدل کرده است. وجود صنعت تضاد و طباق بین دو کلمه «ظلماء و ضیاء» در بیت اول به همراه استعاره مصرحه، به پویایی و گیرایی بیت افزوده است. شاعر در ابیات زیر قدرت شاعری و ذوق توانای خود را در استخدام الفاظ و آرایه‌های ادبی نمایان ساخته است.

و قائلًا: قد بُعثَ النورُ الذی      لیسَ یُخشیَ أبداً الدهرَ انطفاءِ  
مَبْعَثٌ قَدْ وُلِدَتْهُ لیلَةٌ      لِلوَرَى ظَلَمًا وَاها کانت ضیاءاً<sup>۴</sup>

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹)

شهریار نیز به نورانیت پیامبر<sup>(ص)</sup> که جلوه‌ای از نور خداوند است اشاره نموده و ایشان را نور تمام انبیاء دانسته و جان و روحش را مملو از نور می‌بیند. وی جسم ایشان را از جنس مکی و مدنی و وجودش را از نور پاک ذات الهی می‌داند:

همه نور انبیاء با اوست      اوج معراج کبریا با اوست  
جسمش از خاک و مکی و مدنی      جانش از نور پاک ذات غنی

(خشکنابی، ۱۳۷۹: ۶۳)

و در جایی دیگر می‌فرماید:

هنوز جلوه نداده است نور خود به تمامی      خدا به جلوه کند نور خود تمام محمد

(همان: ۶۴)

#### سرور کاینات

آنچه که به صورت آشکار مشخص می‌باشد، این است که حضرت محمد<sup>(ص)</sup> مصداق بارز انسان کامل بوده و اسماء و صفات الهی در ذات مقدس آن حضرت تجلی یافته است. شاعر بعثت حضرت<sup>(ص)</sup> را از جانب خداوند دانسته و می‌گوید این رویداد امری الهی است و با انتخاب و گزینش پروردگار متعال این امر صورت گرفته

است. وی در ابیاتی، صفات و ویژگی‌های برجسته‌ی پیامبر اکرم را که موجب برتری او بر موجودات عالم شده، برشمرده و ایشان را سرور و سالار تمام اهل دین دانسته و با آوردن حرف "قد به همراه فعل ماضی"، به قطعیت و تحقق امر اشاره کرده و با معطوف‌هایی که در بیت دوم ذکر می‌کند تمام صفات و ویژگی‌های پسندیده را در وجود ایشان جمع می‌کند:

و أتى أكرم مبعوثٍ قد أختارَهُ اللهُ انتخاباً واصطفاءاً  
سادَ أهلَ الدینِ علماً و تقیّاً و صلاحاً و عفافاً و إباءاً<sup>۵</sup>

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹)

شهریار نیز در غزل «قیام محمد» که در نعت و منقبت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> سروده است، عرش الهی را به وجود عظیم پیامبر<sup>(ص)</sup> قائم و پابرجا دانسته و از مقام و منزلت بی‌پایان او سخن می‌راند و از میان انسیان و جنیان، تنها حضرت جبرئیل را همشین پیامبر عظیم الشان می‌داند که این حکایت از فرا بشری بودن شخصیت حضرت محمد<sup>(ص)</sup> دارد. در بیت دوم «پرندۀ پر نتوان زدن به بام محمد» کنایه از مقام والای پیامبر<sup>(ص)</sup> است. وی با استفاده از واج آرای و تکرار واک‌های هم‌جنس یا شبه هم‌جنس همانند «م» و «ش» و «ب» و «پ» و چینش آن‌ها در کنار هم به موسیقی درونی و معنوی شعرش اضافه می‌کند، همچنین تکرار اسم مبارک "محمد" به عنوان ردیف در این غزل، به تأثیر گذاری هر چه بیشتر این ابیات افزوده است. "بین قائم، قیام و مقام" نیز آرایه سجع متوازی وجود دارد. و در بیت آخر با تشبیهی زیبا و پویا، کون و مکان را به غلام حلقه به گوشی تشبیه نموده که مطیع فرمان حضرت علی<sup>(ع)</sup> می‌باشند.

ستون عرش خدا قائم از قیام محمد<sup>(ص)</sup> بین که سر به کجا می‌کشد مقام محمد<sup>(ص)</sup>  
به جز فرشته عرش آشیان وحی الهی پرندۀ پر نتواند زدن به بام محمد

علی که کون و مکانش غلام حلقه به گوشند مگر نه فخر کنان گفت من غلام محمد  
(شهریار، ۱۳۷۳: ۹۷)

با عنایت به ابیاتی که هر دو شاعر در آن به بیان مقام و منزلت والای پیامبر<sup>(ص)</sup>  
پرداخته و هر دو به یک مضمون اشاره نموده‌اند، اما موسیقی‌ای که شهریار در شعرش  
با استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی خلق نموده، شنیدن شعر او را برای مخاطب  
دلنشین‌تر کرده است.

### وجوه افتراق

#### داستان مباحله

یکی از وجوه افتراقی که در شعر سید حیدر و شهریار به چشم می‌خورد حادثه  
تاریخی و سیاسی مباحله است که سید حیدر در یک بیت بدان پرداخته است. مباحله،  
داستان فضیلت اهل بیت حضرت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> است؛ آنجا که خداوند فرمان داد تنها  
زنان و فرزندان و جان‌هایتان را به میدان بیاورید؛ با رسول خدا<sup>(ص)</sup> تنها فاطمه و حسن  
و حسین و علی علیهم السلام ماندند! روزی است که اسلام ناب با تمام حقیقتش،  
روبه‌روی هرگونه کفر و شرک ایستاد و یقین قلب‌های آل کسا، میدان‌دار عرصه مباحله  
گشت. مباحله بر وزن مفاعله به معنای انجام دادن کاری به صورت دو طرفه می‌باشد و  
حروف اصلی آن بَهَلَّ است و به معنای: خداوند او را لعنت کرد (ابن منظور، ج ۱،  
۱۴۰۸: ۵۲۲).

و در قرآن مجید در مورد مباحله اینگونه آمده است: «فَمَنْ حَاكَمَ فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ  
فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ  
لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۶۱)



سید حیدر در قصیده نبوی خود، با رویکرد تاریخی-سیاسی به این داستان پرداخته و این روز را، روز مبارزه با دشمنان هدایت و روز مباحث علمای دین می‌داند که پیامبر بزرگ‌شان چگونه و با چه یقینی در مقابل دشمن به پیروزی دست یافت و توانست حقانیت خود را به اثبات برساند:

و لَتَبَاهِلَ فِيهِ أَعْدَاءَ الْهُدَى      وَ لَتَبَاهِ الْيَوْمَ فِيهِ الْعُلَمَاءُ<sup>۶</sup>

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹)

نامه پیامبر<sup>(ص)</sup> به پادشاه ایران

یکی از رویکردهای تاریخی که در شعر شهریار بدان بر می‌خوریم حادثه تاریخی نامه‌ی پیامبر<sup>(ص)</sup> به خسرو پرویز، پادشاه ایران است. شهریار در جایی از دیوانش، به این واقعه تاریخی و پاره شدن نامه پیامبر توسط خسرو پرویز و عقوبتی که بعد از این هتک حرمت، بدان دچار گشته، اشاره می‌نماید:

در ایران نامه حضرت دریدند      جزایش هم به چندین گونه دیدند

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۰۲)

یکی از دلایلی که شهریار به بیان این موضوع پرداخته، این است که این شاعر ایرانی از پیشینه‌ی سرزمین خود و اتفاقات دوران قبل از ورود اسلام به سرزمینش کاملاً آگاهی دارد و این داستان یکی از حوادث بزرگ تاریخ ایران قبل از اسلام است و به نظر نگارندگان، دلیلش این است که چون این داستان مربوط به سرزمینش بوده، بدان پرداخته است. این نکته قابل ذکر است که سید حیدر بیشتر به مسائلی پرداخته که در پیرامون و جامعه خویش اتفاق افتاده است و اگر می‌بینیم که وی گوشه چشمی به داستان مباحثه انداخته، به این جهت است که جامعه‌ی آن روز شاعر، پر از فساد و بی‌دینی و کفر بود و حاکمانی متعصب در صدد نابودی معیار حقانیت بودند، و هدف

شاعر از آوردن این مسأله و فخر علمای دین به وجود پیامبرشان، به این دلیل، شاعر بدان واقف بوده است که مسئله مباحله، اختصاص به شخص رسول خدا و در خصوص ماجرای نصاری نجران ندارد و در چنین جامعه‌ای، علمای آن باید در راه اثبات حقانیت دین و چپاول آن توسط استعمارگران، در برابر خصم از این سلاح استفاده نمایند چرا که مباحله از معجزات باقیه اسلام و قرآن می‌باشد.

### مهر نبوت

در روزگاری که گمراهی مردم و کمرنگ شدن گرایش‌های یکتاپرستی در جامعه عرب آن روز خود را روزبه‌روز بیشتر نشان می‌داد؛ قاعده لطف الهی کره خاکی را از برهان و دلیل خالی نگذاشت و مکتب نجات بخش هدایت، توسط نبی اکرم و بعثت ایشان و ویژه‌نامه جاودانه‌ای که برای پویندگان کمال، رحمت واسع است و بر منکرانش زبانی است جبران ناشدنی، از جانب لطیفی فرزانه با عباراتی چون «فَبِمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ فَلَوْ كُنْتَ...» (آیه ۱۵۹ سوره آل عمران) و یا عبارت «وَلَيَتَلَطَّفُ» (آیه ۱۹ سوره كهف) که در وسط قرآن قرار دارد و با سبک معنوی خاص و اسالیب وصف نشدنی بلاغت، از عالم برین بر پیکره زمین گسترانیده شد، تا مخلوقات الهی را از جانبی مبشر و از جهت دیگری منذر باشد، و تابندگی فروغ ارشادی این پیامبر بزرگ با آن مبانی دینی عمیق و گسترده خویش، از ورای قرون و حقبات متمادی بر تارک معنوی بشریت پرتو افکنده و با شعار جاودانه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و آیه زیبای «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (آیه ۳۹ سوره احزاب) و حدیث قدسی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸) و دهها عبارات جهان شمول دیگر، که همه و همه در زیر چتر نبوت این مرد بزرگ قرار گرفته‌اند. و مهر نبوت از جمله علائم و نشانه‌های پیامبری و نبوت ایشان می‌باشد که بر

آن نقش «لا إله إلا الله» حک شده بود و شهریار درباره این جنبه‌ی اعجاز شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> بیتی سروده و به زیبایی از عنصر تشبیه بهره جسته است: «کارنامه منشور آسمانی قرآن» و «مهر نبوت» تشبیهاتی بدیع هستند که شاعر برای زیباتر ساختن کلام خویش از آن‌ها بهره برده است. لازم به ذکر است که شهریار در اشعار مذهبی خویش غالباً از تشبیهات فشرده و موجز استفاده می‌کند:

به کارنامه منشور آسمانی قرآن      که نقش مهر نبوت بُود به نام محمد

(شهریار، ۱۳۷۳: ۹۷)

#### توصیف جسمانی

از جمله ویژگی شعر سید حیدر، توصیف ظاهری و جسمانی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌باشد که در شعر شهریار به چشم نمی‌خورد. سید حیدر در بیتی به توصیف ظاهری و چهره‌ی زیبا و لطیف پرداخته و برای نشان دادن این لطافت از عنصر تشبیه بهره جسته و می‌گوید که صورت حضرت آنقدر لطیف و شفاف است که گویی از صورتش آب می‌چکد:

رَقَّ بَشْرًا وَجْهَهُ حَتَّى لَقَدْ      كَانِ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَشْرُ مَاءً<sup>۶</sup>

(حلی، ۱۴۰۴: ۲۹)

در بحث از مضامین اخلاقی و اجتماعی، سید حیدر در کنار توصیفات فردی، بیشتر به مضامینی می‌پردازد که جنبه‌ی اجتماعی دارد. وی در توصیف بخشش پیامبر<sup>(ص)</sup> از تشبیه مقلوب بهره می‌گیرد و می‌گوید که آسمان‌ها و زمین جود و بخشش خویش را از دستان بخشایشگر پیامبر<sup>(ص)</sup> گرفته‌اند و اینچنین جود و کرم او را به کل کاینات و هستی تعمیم می‌دهد:

ذُو مُحْيَا فِيهِ تُسْتَقَى السَّمَاءُ      وَ بَنَانِ عِلْمِ الْجُودِ السَّمَاءُ<sup>۷</sup>

(همان: ۲۹)

در مقابل شهریار در کنار توصیف خصوصیات اجتماعی پیامبر<sup>(ص)</sup> و بیان فضایل ایشان به موضوعاتی چون توسل و شفاعت پرداخته و پذیرش ولایت حضرت را شرط رهایی از دوزخ می‌داند. وی در ترسیم شفاعت حضرت برای دلنشین ساختن سخن خویش، تصویری زیبا با استفاده از آرایه تشخیص و مراعات نظیر و واج آراییی خلق می‌کند و با جان بخشیدن به آتش دوزخ و ایجاد مراعات نظیر بین "بهشت و حوض و کوثر" و واج آراییی بین حروف «ح، ش و م» به زیبایی این ابیات افزوده و شنیدن آن را دلپذیرتر کرده است. وی همچنین نام مبارک «محمد<sup>(ص)</sup>» را به عنوان ردیف قرار داده است تا با رویکرد عاطفی موجود در شعر مناسبت داشته باشد و یاد و ذکر حضرت را در جسم و جان خواننده بنشانند:

حریم حرمتش این بس که در شفاعت محشر بمیرد آتش دوزخ به احترام محمد  
گرت هوای بهشت است و حوض کوثر و طوبا بیا به سایه ممدود مستدام محمد  
به کام دل نرسد «شهریار» در دو جهان کس مگر خدا دو جهان را کند بکام محمد  
(شهریار، ۱۳۷۳: ۴۰۵)

#### عدالت

عدالت نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که در شعر شهریار بدان برمی‌خوریم. اگر چه اوضاع اجتماعی سید حیدر به گونه‌ای بود که عدالت اسلامی در آن از بین رفته بود و ظلم و ستم بیداد می‌کرد و همه‌ی منابع اسلامی به غارت رفته بود، اما با تمام این تفاسیر سید حیدر در اشعار مربوط به مدح پیامبر<sup>(ص)</sup> از عدالت سخنی به میان نیاورده است؛ در واقع سید حیدر در اشعاری که خطاب به امام زمان<sup>(عج)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> سروده به ذکر عدالت آنان می‌پردازد و از آنها می‌خواهد که به برپایی این معیار گم شده در جهان اسلام کمک کنند. اما شهریار در اشعاری که در مدح و رثای

رسول خدا<sup>(ص)</sup> سروده، از عدالت ایشان سخن رانده و او را به عنوان الگوی کامل یک حاکم عادل معرفی می‌نماید و از عدالت پیامبری می‌گوید که با تمامت قدرتش، حاکمی عادل با امت خویش بود:

همه با یاد امت بود و اینش معدلت، آری کجا سلطان عادل، با رعیت بی‌رعایت بود  
(خشکنابی، ۱۳۷۹: ۶۷)

سید حیدر تنها به مدح رسول اکرم<sup>(ص)</sup> پرداخته و آن حضرت را رثا نکرده است اما در مقابل شهریار در رثای پیامبر<sup>(ص)</sup> اشعاری زیبا با رویکردی عاطفی، به دو زبان ترکی و فارسی سروده است، که یکی از زیباترین دل سروده‌ی وی «رحلت ختم رسل» به زبان ترکی است که شاعر در آن با رویکردی تاریخی-سیاسی به مصائب اهل بیت<sup>(ص)</sup> و امت رسول، پس از رحلت ایشان می‌پردازد و به مسئله شهادت حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و خانه‌نشینی علی<sup>(ع)</sup> و به حکومت رسیدن طاغوت و ماجرای کربلا اشاره دارد و با تصویری زنده و پویا، مصائب بعد از رحلت رسول اکرم را برای مخاطبش ترسیم می‌کند. تقریباً در تمامی اشعار مذهبی شاعر، ردپایی از مسئله خلافت حضرت علی<sup>(ع)</sup> را می‌توان یافت، در این قطعه نیز شهریار با زبانی کنایی و اعتراض آمیز به امت پیامبر، به نادیده گرفتن مسئله غدیر و عدم حمایت آنان از ولایت امیر - المؤمنین و خانه‌نشینی ایشان اشاره می‌نماید.

با توجه به اینکه زبان مادری شاعر، ترکی است همین امر سبب شده واژگانی که شاعر بکار می‌بندد، از نهاد دل برآمده و بر نهاد دل مخاطبان و صاحبان ذوق بنشیند. در این قطعه ترکیب تصویر عاطفی و سیاسی و تاریخی را می‌توان به زیبایی مشاهده نمود. شاعر در ابیات زیر با بکار بستن کلمات و واژگانی که تصویرگر اوضاع دین و اهل بیت بعد از پیامبر<sup>(ص)</sup> هستند، تصویری واقعی ارائه داده و افکار و احساساتش را با

این تصاویر انتقال داده و دیدگاهش را نسبت به وضعیت حاکم در جامعه آن زمان بیان کرده است:

بِیخِلیبِ دینینِ اووی رِحَلتِ اِنْدیبِ خَتمِ رُسلِ  
سِقَطِ اُولوبِ مُحسِنی زَهرَا اُوزودَه اُولدو شَهِیدِ  
کَرَبلا فَاجِعه سی بَدْرینِ اَکِبِ باشلانْدی  
مُدعی اُولمادی فَرمانِ عَدیره تَسْلیمِ  
چِرِپِلیبِ دینِ قاپیسی حَضْرَتِ زَهرَا باشینا<sup>۹</sup>  
کُولِ اَلْنَدی اُو زَماندانِ بَری دُنیا باشینا  
تَا قِیامتِ نَه قُوپا زینبِ کُبرا باشینا  
گُورنَه تُوفا تَکْثیرِ بَ اَمْتِ طاها باشینا  
دُولانارِ کَعْبَه دَه گِنتد بَکَجَه کِلِیسا باشینا

( شهریار، ۱۳۸۶: ۱۹۳ )

شهریار در جایی دیگر نیز، مرثیه زیبایی در مرگ رسول اکرم (ص) از زبان علی (ع) دارد که در نهایت زیبایی، خبر مرگ پیامبر (ص) را از زبان علی (ع) به تصویر کشیده و بی تابی حضرت زهرا را در مرگ پدرش و ظلم و جفای امت را در حق خاندان پیغمبر (ص) بعد از وفات ایشان ترسیم کرده است. مضامین مرثیه‌ی وی همخوانی کاملی با برخی از عناصر «مکتب رمانتیسیم» دارد، مانند پناه بردن به دامن طبیعت و جان بخشی و تشخیص به عناصر آن، تا از زبان طبیعت شرح حال دل خود را بیان کند:

خبر وای به سر وقت من آمد شب دوش  
نکند کاین خبر وای پیمبر باشد  
دیدم آمد به سرم آنچه که می‌ترسیدم  
زین زمین لرزه جهان غرق غبار ماتم  
که دهد تسلیت خاطر زهرا یا رب  
ای صبا قصه به گوش دل زوار رسان  
خوابم از سر پیرانید چو پیچید به گوش  
گفتم از کیستی ای صاعقه خرمن هوش  
خبر ختم رسل بود و صلا بود و سروش  
یک جهان ماتمی از ماه به ماهی مدهوش  
شیعه گو دم مزن و رخت عزا بر تن پوش  
گو نوای جرس انگیز و صلا ی چاووش

( خشکنابی، ۱۳۷۹: ۸۵ )

همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است خصوصا در مواقعی که محیط طبیعی، شباهت تام و تمامی با حالات و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا می کند. شاعر رمانتیک طبیعت را توصیف نمی کند بلکه درک درون گرایانه ای از آن ارائه می کند و با احساس خود اشیاء و پدیده ها را تعبیر می کند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). توصیف طبیعت در این ابیات، مطابق با احساس و عاطفه یک شاعر رمانتیک است که طبیعت را نماد حالات درونی خویش قرار داده است و در واقع طبیعت و اوصاف آن، میانجی تعبیر از روح و روان شاعر شده است.

شهریار در ادامه همین شعر، خبر مرگ پیامبر<sup>(ص)</sup> را بسیار سهمگین می بیند و با مرگ رسول خدا، زینب را در بیابان کربلا، اسیر و پرچم ولایت علی را سوخته می بیند. وی در این قطعه از رثایش نیز رویکردی سیاسی به مسئله رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> دارد و به زیبایی تمام، حوادث بعد از رحلت را به تصویر می کشد و از مرگ می - خواهد که تمام خلق جهان را به کام خود فرو کشد اما از گرفتن جان حضرت منصرف شود:

سهمگین صرصر طوفان قیامت را باش	چه قضایی است که قنديل خدا شد خاموش
خبری بود که جان خست و جگر داد خراش	وز خراش جگر خسته برانگيخت خروش
زین خبرنامه به بیغوله گذارد اسلام	گو به بام حرم کعبه بخواند بیقوش
پیشگوی خبر زینب کبری است به شام	عَلَم سوخته‌ی شاه ولایت بر دوش
گو کشد مرگ، همه خلق جهان در آتش	لیکن آن جان جهان را نکشد در آغوش
چشمی از چشمه بسازیم که گیرد شب و روز	اشکی از سیل خروشان که نیفتد از جوش

(خشکنابی، ۱۳۷۹: ۸۵)

### نتیجه

هر دو شاعر با بهره جستن از تصاویر هنری در انتقال احساس خویش بر مخاطب موفق عمل نموده و با تأثیر گرفتن از آیات قرآن کریم و احادیث شریف، به توصیف وقایع زندگی پیامبر از جمله معراج، داستان مباحله و.. پرداخته و به بهترین شکل، آن را به تصویر کشیده‌اند. سید حیدر تنها به مدح رسول اکرم<sup>(ص)</sup> در سالروز ولادت و بعثت ایشان پرداخته و در وفات آن حضرت شعری نسروده است که از دلایل آن می‌تواند بحث محیط باشد زیرا سید حیدر تنها به رثای امام علی<sup>(ع)</sup>، حضرت ابوالفضل و امام حسین علیهما السلام پرداخته که قبر مطهرشان در عراق است و رثایش محدود به همین ائمه اطهار است که ذکر گردیدند؛ اما در مقابل شهریار در رثای پیامبر<sup>(ص)</sup> اشعاری زیبا با رویکردی عاطفی، به دو زبان ترکی و فارسی دارد. اغلب کلماتی که سید حیدر در مدح شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> بکار برده، کلماتی پرطمطراق، فخیم و حماسه-گونه است که بیشتر او را شاعری حماسی معرفی می‌کند. در مقابل اشعار ترکی و فارسی شهریار مملو از حس دورنی و عاطفه رقیق و رمانتیک گونه‌ی وی است که با عاطفه صادقانه‌اش درآمیخته و سبب گشته تا با بهره جستن از الفاظ و کلمات نرم و ساده به شعر خود موسیقی خاصی ببخشد.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- (چه بشارتی است که درخشش آن دنیا را پوشانده است، به پا خیز و به زمین و آسمان تبریک بگو. ۲- بوی خوشی گوشه و کنار دنیا (زمین و آسمان) را پر کرده و فضا را عطرآگین ساخته است. ۳- آن بشارت بعثتی است که جبرئیل<sup>(ع)</sup> از قبل در ملاّ اعلیٰ ندایش را سر داده بود. ۴- در حالیکه می‌گفت: نوری برانگیخته شده است، که در طول روزگاران ترسی از خاموش شدن آن نمی‌رود.)



- ۲- (پر خیر و برکت شد شبی که در صبحش، خداوند پرده از چهره‌ی حق برداشت. ۲- و خداوند به آن شب شادابی و زیبایی خلعت داد و جهان را سرشار از درخشانی و جلا کرد. ۳- و روزگار مستانه شروع به طرب کرد و مغرورانه می‌خرامید.)
- ۳- (شما را بشارت باد که در خیر و برکت به واسطه کسی که خداوند مهربان، انبیاء را به او ختم کرده، باز شده است.)
- ۴- (نوری مبعوث شده است که هیچ وقت خطر خاموشی آن نمی‌رود. / شبی که تاریکی‌اش برای مردم روشنایی بود مبعوث را متولد ساخت)
- ۵- (شریف‌ترین و برترین مبعوثی آمده که خداوند او را برگزیده است. / از نظر علم، تقوا، درستکاری، عفاف و عزت نفس از همه اهل دین برتری یافت)
- ۶- ((پیامبر) در آن روز باید با دشمنان هدایت، مباحله کند و امروز علماء باید به آن روز فخر بفرهوشند و بیالند.)
- ۷- پوست صورتش آنقدر لطیف است که گویا از صورتش آب می‌چکد.
- ۸- ((پیامبر) بخشنده‌ای است که آسمان از او طلب باران می‌کند و دستانی که جود و بخشش را به آسمان می‌آموزد.)
- ۹- (خانه دین، با رحلت ختم رسل<sup>(ص)</sup>، ویران گشته، در دین بر سر حضرت زهرا<sup>(س)</sup>، کوبیده شده، محسن‌اش سقط گردید و خود نیز شهید شد، از آن روز دنیا خاک بر سر شد، بذر فاجعه کربلا کاشته شد. و زینب کبری چه مسائلی را برتافت، مدعی تسلیم فرمان غدیر نشد و بین چه بلاها بر سر امت طاهرا آورد، اگر امت نباشد، امامت هم خانه‌نشین می‌شود و رفته رفته کعبه دور سر کلیسا می‌گردد.)

## منابع

- قرآن کریم
- ابن منظور؛ جمال الدین محمد بن مکرم (١٤٠٨هـ ق)؛ *لسان العرب*، علی شیری (تعلیق)، دار احیاء التراث العربی.
- امین، احمد؛ *ضحی الاسلام* (١٩٥٢)؛ ج ٣، *القاهرة*، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- بدوی، احمد (بی تا)؛ *أسس النقد الادبی عند العرب*، دار النهضة، بی تا
- بزرگ بیگدلی، سعید، و مریم صادقی (١٣٨٦)؛ *بازتاب شخصیت پیامبر در شعر معاصر فارسی*، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره نهم، ٢٧٩-٢٥٣
- البصیر؛ محمد مهدی (١٩٩٠)؛ *نهضة العراق الأدبية (فی القرن الثالث عشر للهجرة)*، بیروت، دار الرائد العربی.
- حمداوی، جمیل (٢٠٠٧ م)؛ *شعر المديح النبوی فی الأدب العربی*، مجلة دیوان العرب.
- حجاز، نجمة (٢٠٠٩ م)؛ *شخصیة النبی فی الشعر العربی بین القديم و الجدید*، مجلة نزوی (الأردنیة).
- حلی، سیدحیدر (١٤٠٤ ق)؛ *دیوان*، تصحیح علی الخاقانی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- خشکناهی، سید رضا (١٣٧٩)؛ *گلزار جمال*، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- سالم، محمد زغلول (١٩٧١)؛ *الأدب فی العصر المملوکی*، قاهره، دارالمعارف.
- شیر؛ جواد (١٤٠٩ ق)؛ *ادب الطف أو الشعراء الحسین من القرن الاول حتى القرن الرابع عشر*، ج ٨ و ٩، بیروت، دارالمرتضى.
- شیروانی، علی (١٣٨٣)؛ *ترجمه نهج البلاغه*، قم، دارالعلم.

- شهریار، محمد حسین (۱۳۷۳ش)؛ کلیات دیوان، تهران: انتشارات نگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)؛ دیوان، جلد ۲ و ۱، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات زرین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)؛ تورکی دیوانی کلیاتی، تهران، انتشارات نگاه.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)؛ مکارم الأخلاق، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)؛ بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن

